

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵)

علی آنی‌زاده^۱

چکیده

این مقاله با روش اسنادی - کتابخانه‌ای، گاهشماری عامه، ادبیات شفاهی، آثار قدما و دانش بومی ایران را واکاوی کرده است تا راه‌های پیشگویی، پیشگیری و مهار پدیده سیل را از منظر فناوری سنتی و آیینی نشان دهد. نتیجه این جستار نشان می‌دهد، سیل در اغلب گونه‌های ادب شفاهی بویژه مثل‌ها وجود دارد و در بومی‌سروده‌ها، وقایع‌نگاری سیل‌های محلی بازتاب یافته تا آنجا که گاه مبدأ تاریخ محلی قرار گرفته است. همچنین سیلی که بر اثر پدیده‌های طبیعی بویژه باران‌های شدید و پیاپی پدید می‌آید، از منظر فرهنگ مردم قابل پیشگویی و مهار است؛ پیش‌بینی سیل از منظر گاهشماری عامه بر پایه نشانه‌های مختلف حیوانی، گیاهی و نجومی استوار است. پیشگیری آیینی سیل مبتنی بر انواع و گونه‌های مختلف آیین‌های باران‌بندی است. فناوری عامه پیشگیری و مهار سیلاب بیشتر بر مقاوم‌سازی خاک، تقویت پوشش گیاهی و ذخیره‌سازی سیلاب و هدایت آن به زمین‌های دیم ناظر است.

کلیدواژه‌ها: سیل، وقایع‌نگاری سیل‌های محلی، پیش‌بینی سیل، پیشگیری از سیل، مهار سیل، سیل در ادبیات شفاهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما. رایانامه: anizadehali@yahoo.com

۱۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

سیل در لغت به جریان شدید آب گفته می‌شود که اغلب بر اثر پدیده‌های طبیعی همچون باران‌های شدید و پیاپی، طغیان و به هم پیوستن رودخانه‌ها، ذوب شدن ناگهانی برف‌ها و گاه به علت عوامل غیرطبیعی مثل خراب شدن سد رخ می‌دهد. جلوه‌های پیشگویانه سیل ریشه در گاهشماری عامیانه دارد؛ همان طور که موارد پیشگیرانه بر نگهداشت مراتع و تقویت خاک متکی است. مهارت‌های مهار سیل نیز هم جلوه فناورانه دارد، مانند ذخیره‌سازی آب و هم جلوه آیین دارد، مانند گونه‌های متعدد سیل‌بندی و باران‌بندی. در نوروز ۱۳۹۸ سیل‌های مهیبی مناطق گسترده‌ای از لرستان، خوزستان، گلستان و... را دربرگرفت که به مدد همیاری‌های مردمی تا حد زیادی مهار شد. به دنبال آن در شبکه‌های مجازی تصاویر زیبایی از یاریگری‌های بومی به منظور ساخت بند و کمک‌رسانی برای غذا، دارو و... ثبت شد و علاوه بر آن نمایش‌های عامیانه باران‌بندی که سال‌ها فراموش شده بود، بار دیگر کارکرد آیینی خود را بازیافت و در کنار سایر جلوه‌های پدیده سیل در فضای مجازی منتشر شد. این مقاله با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای تنها به جلوه‌های پیش‌بینی و پیشگیری این پدیده طبیعی نظر دارد و مهار آن بویژه در نوع همیاری‌های مردمی را به دیگر نویسندگان وامی‌گذارد.

سیل در آثار پیشینیان

قرآن مجید به طور خاص در سوره عنکبوت/ ۱۴ به قوم نوح و از بین رفتن آنها از طریق طوفان و سیل و نیز در سوره سبأ/ ۱۶ و ۱۷ به سیل عرم و تبدیل باغستان‌های آنان به میوه‌های تلخ و شوره گز و نیز توانایی آنها در ساخت سد برای مهار سیلاب اشاره کرده است (مکارم شیرازی، ج ۱۶، ۱۳۶۸: ۲۲۸؛ همان، ج ۱۸، ۵۶؛ ثعالبی نیشابوری، ۱۳۷۶: ۲۹۷). در فرگرد دوم و نندیداد نیز خطاب به جمشید، دهی سرسبز توصیف شده است که پس از باران بسیار و آب شدن برف، چنان ویران شده که جای پای جانوری باقی نمانده است (وندیداد، ج ۱، ۱۳۸۵: ۲۰۷). در بسیاری از کتب متقدمان، از جمله عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، نخبه‌الدهر فی عجائب البر و البحر و

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۱۷

روضه‌المنجمین، به صیوروت بر و بحر و نقش سیل در پدیدار شدن چشمه، رودخانه و جوی و همچنین شرایط نجومی ایجاد سیل اشاره شده است. (المکمونى القزوينى، ۱۳۶۱: ۱۵۷؛ انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۱۹۷-۱۹۸؛ رازی، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۵۴)

در کتب تعبیر خواب نیز، از سیل تعبیر متعددی ارائه شده است؛ *منافع‌الحيوان*، آفرینش اسب آبی را دلیل بر وقوع سیل دانسته و افتادن این حیوان در کنار نیل را، میزان بالا آمدن آب تعبیر کرده است (مراغی، ۱۳۸۸: ۸۸). *خواص‌الحيوان*، دیدن مار در خواب را حیات، سیل، دولت و فرزند (تبریزی، ۱۳۹۴: ۲۴) و *همراه‌التحییر*، رویت سیلاب را، دشمنی، بلا و بیماری تعبیر کرده‌اند (رازی، ۱۳۸۵: ۲۲۵). *کامل‌التعبیر* نیز «سیل در سردسیر را غم و اندوه و در گرمسیر، منفعت و شادی تعبیر کرده است. جابر مغربی هم، خرابی سیل را دلیل رسیدن منفعت پادشاه می‌داند. حضرت صادق (ع) نیز چهار وجه برای سیل برمی‌شمارند: اول دشمنی بزرگ، دوم پادشاهی ستمگر، سیم لشکر غالب و چهارم فتنه و بلا. (التفلیسی، ۱۳۲۶: ۲۹۷)

در هیچ یک از کتاب‌ها، گزارشی از آیین‌های باران‌بندی و مهار سیل به چشم نمی‌خورد، تنها در بعضی کتاب‌ها اطلاعات ذی‌قیمتی درخصوص باورها و تأثیرات فرهنگ مردمی سیل وجود دارد؛ مثلاً *فزونى استرآبادى* به کوهی عجیب با سنگ‌های سیل‌زا اشاره می‌کند که با برخورد نعل آهنی اسب‌ها، باران سیل‌آسا می‌باریده است. (فزونى استرآبادى، ۱۳۲۸: ۴۷۱)

در آثار پیشینیان، به جز فلسفه وقوع سیل و تعبیر گوناگون از آن، گزارش‌هایی از سیل‌های مهیب طول تاریخ می‌توان یافت؛ سیل سال ۳۷۸ ه.ق به نقل از مسکویه و *ابن‌اثیر* در بلاد جبل^۱ (فقیهی، ۱۳۵۷: ۶۷۷)؛ سیل روز سه‌شنبه نهم رجب ۴۲۳ ه.ق (شعبانی و مهرعلی‌تبار، ۱۳۹۲: ۴۸) به روایت و مشاهده *ابوالفضل بیهقی* (بیهقی، ج ۱، بی‌تا: ۳۰۹)؛ سیل ۴۶۸ ه.ق بغداد و بصره و واسط و خوزستان و خراسان (تتوی و قزوینی، ج ۴، ۱۳۸۲: ۲۴۲۵) و سیل ۶۴۱ ه.ق زرنگ سیستان (مهرآفرین، ۱۳۸۱: ۱۲۷) از مشهورترین سیل‌های ایران در دوره‌های میانه اسلامی است (برای اطلاع بیشتر از

۱. اصفهان، همدان، ری، کاشان، قم، قزوین و نواحی دیگر این حدود.

❖ ۱۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سیل‌های این دوره، سال وقوع، مکان، علت و پیامد آنها نک: شعبانی و مهرعلی تبار، ۱۳۹۲: ۴۹). از سیل‌های دوره قاجار، گزارش‌های متعددی در خاطرات ناصرالدین‌شاه، رضا قلی‌هدایت، اعتمادالسلطنه و... وجود دارد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۱: ۲۷۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۲۹۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۲۴؛ شعبانی مقدم و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۱). از میان مستشرقین نیز، لیدی شیل، دکتر فووریه طیب ناصرالدین‌شاه، لایارد و سرپرسی سایکس به ترتیب مشاهدات خود را درباره سیل‌های لواسان، جاجرود و عشایر بختیاری خوزستان و سیل علی‌آباد جاده زرنند - بافق و کوشکوه قلمی کرده‌اند (شیل، ۱۳۶۲: ۱۲۰؛ فووریه، ۱۳۸۸: ۱۶۰ و ۳۰۹؛ لایارد، ۱۳۶۷: ۱۳۲؛ سایکس، ۱۳۶۳: ۱۸۲-۱۸۳، ۵۰، ۳۷۱، ۲۵۳، ۲۱۴، ۳۸۳). گوردگرتن نیز از دو منطقه سیل خیر بر سر راه آهن ایران یاد کرده است (کرزن، ۱۳۴۹: ۱۲۰). ویلیام جکسن نیز در سفرنامه خود به سیلاب‌های اطراف دریاچه ارومیه اشاره کرده و با پیش کشیدن کلمه اوستایی و یغنه^۱ ضمن نشان دادن تسلط خود بر آموزه‌های زردشتی، مباحثی را درخصوص تقدس پل‌سازی و مقدس بودن سمور آبی در آیین مزدایرستان ایراد کرده است (جکسن، ۱۳۵۲: ۹۲). در مباحث جغرافیای تاریخی ایران، گزارش‌های متعددی نیز از سیل‌های محلی وجود دارد (نک: ساعدی، ۱۳۵۴: ۳۲؛ ورجاوند، ۱۳۷۷: ۷۴-۷۵؛ رضایی، ۱۳۸۱: ۳۳؛ میرگلو، ۱۳۵۱: ۱۰۵؛ نجفی آشتیانی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۷ برآبادی و شعبی، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۲؛ میرمحمدی، ۱۳۷۸: ۶۴-۶۵؛ درجزنی، ۱۳۶۸: ۱۳۷۷: ۶۷؛ مشایخی، ۱۳۸۰: ۱۸۴-۱۸۶؛ یوسفی، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ برخی از آنها شهرت ملی دارند مانند سیل بیستم شهریور ۱۳۱۷ه. ش. نهاوند که تعداد کشتگان آن از ۲۱۲ نفر تا بیش از هزار نفر در منابع آمده است. (نک: شهبازی، ۱۳۸۴: ۱۱۸؛ ناظم، ۱۳۸۶: ۶۳ و ۷۱)

برخی از سیل‌ها آنچنان بار روانی بر اجتماع تحمیل کرده‌اند که مبدأ تاریخ محلی قرار گرفته‌اند و مردم، آن سال را با آن واقعه به یاد می‌آورند، از جمله «سال کف» در نهاوند (۱۳۱۷ یا ۱۳۲۰ه. ش.)، «سال اورودی» یا «آب رودی» در بیرجند (۱۳۰۳ه. ش.)، «سال سیلی» در برزک کاشان (۱۳۳۵ه. ش.) (ناظم، ۱۳۸۶: ۷۱؛ رضایی، ۱۳۸۱: ۳۳؛ جهانی

۱. به معنای طغیان آب و طوفان عظیم.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۱۹

برزکی، (۱۳۹۵)، «سال سیلی» یا «سالی که اکبر کولا برائیم او بُرد»^۱ در میمند (۱۳۰۹ ه.ش) (باقری میمندی، ۱۳۵۱) و «سال آب» در رودخانه مردانشاه خضری دشت بیاض (۱۳۵۰ ه.ش) (صمدی، ۱۳۹۵). علاوه بر اینها سیل موجب نامگذاری برخی مکان‌ها شده است؛ مانند منطقه «سیلستن» یا «سیالستان»^۲ در شهر دلیجان (جوادی، ۱۳۷۷: ۶۷)، منطقه «پل لوار» یا «لف‌آر» در بروجرд (نگارنده) یا کوه «گدلو»^۳ در عباس‌آباد جندق به دلیل سیلاب‌های مسیل گلدستو (حکمت یغمایی، ۱۳۷۰: ۳۲) و کوچه موسوم به «ته آب بُردی» در بیرجند که به سبب آسیب‌دیدگی بسیار از سیل به این عنوان مشهور شده است (رضایی، ۱۳۸۱: ۳۳). در وسط شهر کیوی استان اردبیل نیز، سنگ بسیار بزرگی است که اهالی معتقدند آن را سیل آورده و به همین منظور هرساله ریش سفیدان قرآن برمی‌گیرند و کنار آن می‌روند و از خدا می‌خواهند آنان را از سیل محافظت کند. به همین دلیل این محل در اصطلاح محلی، «بیا کنش» نام گرفته است. (رزاقی چالگر، ۱۳۹۵)

سیل در ادبیات شفاهی

در اساطیر و افسانه‌های جادویی، سیلاب‌ها، گودال‌ها، چشمه‌ها و رودهای خروشان، جایگاه پریان است (ارشادی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). در برخی قصه‌ها مانند قصه چوپان شاه - که هفت خواهر برای رسیدن به خانه باید از رودخانه سیلابی عبور کنند - صعوبت سیلاب نمادی از حیا و عفت، و عبور از آن تن‌دادن به خواسته‌های نفسانی است (همایونی، ۱۳۷۲: ۱۹). همان‌طور که در امان ماندن زمین‌های زراعی از آفت سیل، از بهترین دعاها در حق کشاورزان است (رزاقی چالگر، کیوی، ۱۳۹۵) گرفتار شدن خان و مان به بلای سیل، از سخت‌ترین نفرین‌های توده مردم به شمار می‌رود و این نفرین در مناطق عشایری که بیشتر در معرض آسیب سیل هستند، معنای عمیق‌تری دارد؛ نفرین بختیاری «او لَفُو براس» به معنی سیل بردش، مؤید این نفرین است که بیشتر در خستگی ناشی از کوچ به

۱. سالی که اکبر کربلایی ابراهیم را سیل برد.

۲. جایی که سیل بسیار می‌آید.

۳. دل آب.

۲۰. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

زبان رانده می‌شود (قنبری عدیوی، ۱۳۸۶: ۸۴). این پدیده، در چیستان‌ها نیز بازتاب دارد؛ چیستانی از کوهپایه ساوه، ویژگی‌های سیل را چنین توصیف می‌کند: «داغدان گلر داغ کیمی بقیرر اولاق کیمی» (از کوه می‌آید مانند کوه، بعبع می‌کند مانند بزغاله) (سالاری، ۱۳۷۹: ۳۸۱). در میان عناصر ادب شفاهی، سیل در زبانزدها و امثال، بیشترین بسامد و تنوع مضمونی را داراست؛ در اغلب مثل‌ها، سیل صورتی ویرانگر دارد؛ همچون «سیل هم سیل، سرگردانی هم سیل»، «سیل بیاید چه ببرد و آتش بیاید چه بسوزاند؟»، «سیل بی‌پروا از پای افکند دیوار» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۲۹)، «اگر می‌خواهی راحت بمیری خودت را در سیل انداز»، «کنار رودخانه باغ احداث نکن که قسمت سیل می‌شود و هنگام پیری دختر جوان نگیر که مال ایل می‌شود» و «سیل زمین کاسب و ارباب نمی‌شناسد» (رزاقی چالگر، کیوی ۱۳۹۵). در تعدادی دیگر، بازتاب گاهشماری عامه را در زبانزدها می‌توان دید؛ مانند «بارون خُمینه^۱ سیل می‌آورد و خرمن می‌برد»، «بارون خمینه کنده بنه می‌آورد و لاشه شتر» (فرهادی، ۱۳۶۲ الف: ۶۱۰)، «قیرخی بئشه ساخلا سامان چکمه آمان؛ برای چهل و پنجم کاه نگهدار و دچار مصیبت نشو» (رزاقی چالگر، کیوی، ۱۳۹۵) یا مثل «او آمد و نون برد» که به سیلاب بهاری و نابود کردن کشت اشاره دارد (فرهادی، ۱۳۶۲ ب: ۵۸۸). در برخی مثل‌ها، سیل نشان‌دهنده سودآوری است؛ «سیل همیشه کنده نمی‌آورد»، «سیل همیشه خیک نمی‌آورد، یک بار هم خرس می‌آورد»، «سیل هرگز سبب تنگی دنیا نشود»، «سیل‌ها راه افتاد شکاف‌ها و چاله‌ها پر شد» (عبدلی، ۱۳۹۳: ۹۶؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۲۲۹). در بعضی نیز سیل دستمایه بیان آموزه‌ای اخلاقی قرار می‌گیرد که یا داستان آن در افواه مردم رایج می‌شود؛ مانند «سیل آورده را سیل می‌برد»، «سیلی که گوسفندهای کربلایی غلامرضا را برد آبی بود که داخل شیرهایش می‌کرد»، «سیل صورت خودشو نمی‌تونه بشوره» (شهری، ۱۳۸۴: ۳۸۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۲۲۹) یا در وجهی ثانوی به کار می‌رود، مانند «سیل به وَ هُوَ لایدری»^۲ که در وجه غفلت به کار رفته است (پورکاظم، ۱۳۸۰: ۱۴۰). گفتنی است در ادبیات مکتوب، ابیاتی با مضمون سیل وجود

۱. باران تابستانه.

۲. سیل او را گرفت و نمی‌داند.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۲۱

دارد که گاه به صورت امثال سایره در افوام مردم ماندگار شده‌اند. صائب تبریزی بیشترین مضمون‌پردازی طبع‌آزمایی را در این موضوع انجام داده است: «سیلاب نپرسد که ره خانه کدام است» (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۰۰۱)، «سیل از بساط خانه به دوشان چه می‌برد؟»، «سیل از رفتن نمی‌ماند اگر پل بشکند»، «سیل از دریا به خواری روی‌گردان کی شود» (برای مصادیق بیشتر نک: ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۲۲۹). به جز انواع ادبی یاد شده، وقوع سیل و اثرات روانی آن، موجب آفرینش اشعاری شده است که بینش مردم را نسبت به این واقعه نشان می‌دهد؛ مثلاً با غرق شدن مصطفی قلی خان ملقب به اسعد نظام و پنج تن از نزدیکانش در سیل ۱۳۲۰ ه. ق ساوه و زرنديه، مرثیه‌ای سوزناک در ادبیات شفاهی ایل شاهسون راه یافته است (برای اشعار نک: سالاری، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۹) یا ترانه معروف «آپاردی سنلر سارانی: سیل سارای را برد» - که هنوز از سوی عاشیق‌های آذری نقل می‌شود - یادآور دختری به نام ساری‌آی^۱ است که به ناچار به عقد خانی ظالم درمی‌آید و در عروس‌کشان خود را به طغیان رودخانه / اون چایی می‌سپارد (برای متن ترانه نک: هویدا، ۱۳۵۴: ۱۲۵ و ۱۲۸-۱۲۹؛ رزاقی چالگر، کیوی، ۱۳۹۵). به جز منظومه‌ها و سوگ‌سروده‌ها، وقایع‌نگاری سیل‌های محلی نیز در اشعار بومی سرایان بازتاب یافته‌اند که به لحاظ تاریخ شفاهی حائز اهمیت هستند؛ از جمله سیل ۱۳۱۷ ه. ش نهاوند (شهوریان، ۱۳۸۰: ۶۹) و سیل سال ۱۳۳۵ ه. ش برزک (جهانی برزکی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۴۷) و سیل جونتقان فارسان در تیرماه ۱۳۲۳ ه. ش (آشوری، ۱۳۵۴)

پیش‌بینی سیل؛ گاهشماری عامه

در گاهشماری عامه، نمونه‌های فراوانی برای پیش‌بینی سیل و طوفان وجود دارد که بیشتر بر اساس نشانه‌های باد و خورشید، حرکات جانوران، زمان، جهت و نحوه بارش باران و قرار گرفتن در بروج دوازده‌گانه استوار است؛ پیدا شدن مگس در زمستان، جست و خیز گوسفندان و کوبیدن سر شاخداران به همدیگر، شیبه شبانه، پنهان شدن گربه زیر کرسی، جیرجیر کردن نامنظم و لیس زدن پر قناری‌ها، هاله بستن دور خورشید و...

۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نمونه‌هایی از آنهاست (ذوالفقاری و شیری، ۱۳۹۴: ۱۲۹). طبیعی است که برای متوقف کردن آن نیز راه‌هایی پیش‌بینی شده است؛ مانند گره‌زدن موهای زنان، مالیدن حنا به در خانه، انداختن دم جارو در تنور از سوی فرزند ارشد خانه، نشانیدن داس به صورت عمود و.. (نک: ادامه مقاله). در گاهشماری عامیانه، بارندگی‌های سیل‌آسا دارای باورها و اصطلاحاتی است؛ در اصفهان به سیل، «لا» (جناب، ۱۳۸۵: ۲۳۷) در نهاوند و بروجرد، «لَف» (ناظم، ۱۳۸۶: ۶۴ و نگارنده) و در خضری دشت بیاض «اَسیل» گفته می‌شود (صمدی، ۱۳۹۵). «لَف کِنْدَن» در افواه مردم کمره، معیاری برای پرشدن مسیل‌ها به شمار می‌آید. اصطلاح «نَم به گرده گوماهی رفتن» نیز بر بیشترین میزان بارندگی دلالت دارد، بر این باور که زمین بر پشت گاوماهی سوار شده است (فرهادی، ۱۳۶۲ ب: ۵۸۳). در اغلب مناطق ایران، باران‌های تابستانه را سیل‌زا می‌دانند؛ طایفه شلو از ایل بچاقچی باران شصت، هفتاد، هشتاد و نودم پس از نوروز را زیان‌آور می‌دانند و باران تابستانه موسوم به خُمینه را برای زمین‌های شنی و نرم مفید و برای زمین‌های رسی به علت جاری شدن سیل زیان‌آور می‌دانند (بهنیا، ۱۳۷۴: ۱۴۹). در سیرجان و بافت نیز اگرچه باران خُمینه را برای شفا نگه می‌دارند، اما آن را باران غضب می‌نامند و معتقدند، سیل‌آفرین است و گله را از کوه، و کشت را از دشت می‌کند (فرهادی، ۱۳۶۲ الف: ۶۱۰). اهالی برزک هم باران شصت و صدویست روز بعد از نوروز را سیل‌آسا و مخرب می‌دانند (جهانی برزکی، ۱۳۹۵). مردم خضری دشت بیاض نیز باران‌های خَرگَزار یا شخ‌درز، جَم-جَم‌بار، جارجاربار و بویژه رگبار را مستعد سیل می‌دانند و از میان شیشه‌های مختلف سال، باران شصت و شیشه پس از نوروز را گاوکش می‌دانند و بر این باورند اگر برف بر کوهسار بیارد و پس از آن باران بیاید، سیلاب جاری می‌شود (صمدی، ۱۳۹۵). مردم چالگر کیوی خلخال نیز باران چهل و پنجم تابستان را سیل‌زا می‌دانند (رزاقی چالگر، ۱۳۹۵). اهالی خیابو نیز بارش باران از مغرب را مستعد سیل می‌دانند (ساعدی، ۱۳۵۴: ۳۰). اهالی ماخونیک سریش خراسان جنوبی نیز بر این باورند که در سال خرگوش سیل می‌آید. (برآبادی و شعیدی، ۱۳۸۴: ۳۶۵)

تدبیر پیشگیری و فناوری مهار سیل

ایران به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، از مجموع چهل نوع بلای طبیعی و انسانی، مستعد سی فاجعه است و در زمره ده کشور بلاخیز جهان قرار دارد (شعبانی مقدم و دهقانی نژاد، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۰). یکی از این بلاها، پدیده سیل است که بر اثر عوامل متعدد واقع می‌شود؛ از جمله نزولات جوی باران و تگرگ و به تبع آن حمل خاک، طغیان و سیل‌خیزی رودخانه‌ها، گرم شدن ناگهانی هوا و ذوب شدن یخ‌ها و برف کوه‌ها، قطع درختان جنگل‌ها، چرای بی‌رویه دام‌ها در مراتع، تصرف حریم رودخانه‌ها برای احداث بنا (انوری، ۱۳۸۳: ۷۲۷؛ معین، ۱۳۸۲: ۱۳۸۲؛ دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۵: ۷۶۹؛ نفیسی، ۱۳۲۰: ۱۹۷۶؛ مشایخی، ۱۳۸۰: ۱۸۳-۱۸۴؛ افشاریان، ۱۳۸۸: ۲۷؛ نصیری و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۳۹؛ میرمحمدی، ۱۳۷۸: ۶۴)، استفاده نامعقول از کودهای شیمیایی اوره و ازت در زمین‌های کشاورزی، برداشت بی‌رویه شن و ماسه از حریم رودخانه‌ها، رها کردن فاضلاب در بستر رودها و تغییر در شیب، عرض و عمق رودخانه‌ها و... (رزاقی چالگر، کیوی ۱۳۹۵) و ریختن زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی در مسیر سیل‌بند. به جز عمده عوامل یادشده، شرایط اقلیمی نیز در ایجاد سیل تأثیر دارد؛ برای مثال در ناحیه جلگه‌ای گیلان شیب کم زمین (کمتر از یک درصد) هر چند برای کشت برنج مناسب است، اما تخلیه جریان‌های سطحی زمین را کند و پهنه سیل را وسیع می‌سازد (عظیمی دوبخشری، ۱۳۸۵: ۳۹). در مناطق شهری نیز جمع‌آوری نامناسب آبگیرها، کشش کم سیلاب‌روها و نامناسب بودن سیستم تخلیه آب‌ها از عوامل تشدید سیل محسوب می‌شود. (طاهری بهبهانی، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۹؛ ناظم، ۱۳۸۶: ۶۶)

اگر چه سیل آسیب‌های فراوانی چون هلاکت و آوارگی انسان‌ها، ویرانی بناهای تاریخی و تأسیسات، تلف شدن احشام، نابودی کشتزارها، تخریب پل‌ها و راه‌ها، خشک شدن قنات‌ها دارد (طاهری بهبهانی، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۹؛ حکمت یغمایی، ۱۳۷۰: ۸۱؛ شاکری، ۱۳۶۵: ۲۱۶)، اما سیلاب‌های بهاری در مناطق کم‌باران موسوم به «آسمان‌نگاه»، تأمین‌کننده منابع آب زیرزمینی بویژه افزایش آب قنات‌ها هستند (جعفرزاده دستجردی، قم، ۱۳۹۵) و گاهی اموالی را نصیب مردم فرودست ساخته است (سالاری، ۱۳۹۴:

۲۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۷۷-۷۹؛ نک: امثال در این مقاله)؛ حتی برخی، سیل را در موقع گرفتن روغن بادام خانگی موجب افزایش نعمت می‌دانند (هدایت، ۱۳۴۲: ۵۲). آسیب‌های ناشی از سیل موجب پدید آمدن راه‌های متنوعی برای مقابله با این تهدید و در مواقعی بهره‌مندی از این پدیده شده است؛ عمومی‌ترین آنها عبارت‌اند از: جنگل‌کاری و مرتع‌کاری، جلوگیری از چرای احشام بویژه در ارتفاعات دارای پوشش گیاهی ضعیف، احداث سدهای خشکه‌چین با تراس‌بندی، تعیین بستر رودخانه‌ها، لایروبی مسیل‌ها، احداث سدهای مخزنی برای تعدیل و ذخیره سیلاب، و ساخت پل‌های مستحکم به منظور کاهش سرعت آب و... (میرمحمدی، ۱۳۷۸: ۶۴؛ طاهری بهبهانی، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۹؛ جناب و شاردن، ۱۳۷۶: ۵۲). اما در مناطق مختلف، راه‌های گوناگونی برای مقاوم‌سازی خاک، تقویت پوشش گیاهی و جلوگیری از آسیب سیلاب به مزارع به کار می‌رفته است؛ مثلاً در چالگر کیوی خلخال، آبادی‌های واقع در دامنه‌های شیب‌دار اقدامات ذیل را به کار می‌بستند:

۱. اجیرکردن هر ساله فردی به عنوان قرقچی یا دشتبان به منظور حراست از منابع طبیعی و جلوگیری از تعدی به حریم قرق و مدیریت چرای دام‌ها، به نحوی که دامداران در فصل بهار نسبت به چرای بی‌رویه دام و حتی خرید و نگهداری دام محدودیت داشتند.
۲. تعیین وقت معین برداشت علوفه برای دامدارانی که زمین زراعی نداشتند که این اقدام در مدت درو با دانه‌افشانی طبیعی، موجب تراکم پوشش گیاهی می‌شد.
۳. نظارت قرقچی بر تهیه سوخت اهالی به نحوی که در فصل پاییز تنها اجازه استفاده از سرشاخه‌های گون را داشتند و کندن ریشه آن و حتی هرس آن در مناطق سیل‌خیز ممنوع بود.
۴. کاشت محصول در زمین‌های شیب‌دار و سیل‌خیز ممنوع بود و قرقچی موارد تخلف را به کدخدا گزارش می‌کرد.
۵. به منظور جذب بهتر آب در زمین و جلوگیری از تخریب خاک، زمین‌های زراعی دارای شیب ملایم، به صورت افقی شخم زده می‌شدند.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۲۵

۶. در مرتع‌های ضعیف، تا زمان بذردهی و احیای مجدد آن، چرای دام‌ها قدغن بود و در هنگام درو به منظور دانه‌افشانی طبیعی، علف‌ها از سوی زارعین سر زده می‌شد.
 ۷. تا حد امکان از بذرهای غنی و بادوام مثل «قارایونجه» بهره برده می‌شد.
 ۸. در فصل پاییز، در بخش‌هایی از زمین‌های شیب‌دار، به صورت دستجمعی کانال‌هایی افقی حفر می‌شد تا جذب آب در زمین تسهیل و از شست و شوی خاک جلوگیری شود.
 ۹. زمین‌های زراعی واقع در دره‌های کوچک در فصل بهار در قالب یاریگری، به صورت داش دووار (دیوار سنگی) سنگ‌چینی می‌شد؛ بدین نحو که پشت دیوار، سنگ‌ریزه و چند لایه گون و شاخ و برگ می‌ریختند تا ضمن جلوگیری از آسیب به سم دام‌ها، رویش علف‌ها و درختچه‌ها را تسهیل و استحکام دیوار را تضمین کنند و جریان تند آب و گل و لای را کنترل نمایند.
 ۱۰. به منظور جذب بیش از حد آب در دره‌ها و کنار رودخانه‌های کم‌عمق، درخت‌های سنجد، گز و نوعی بید که تناور نمی‌شد، کاشته و هر ساله هرس می‌شد.
 ۱۱. صاحبان زراعی مجاور بستر رودخانه‌ها، به وسیله سه‌پایه‌های چوبی و سرشاخه درختان و سنگ‌های بزرگ، دیواره می‌ساختند تا از طغیان سیل رودخانه به مزارع جلوگیری کنند.
 ۱۲. به وسیله نهرکشی، آب سیل را در آبگیرهای طبیعی موسوم به گول ذخیره می‌کردند و به افزایش، ترمیم و لایه‌روبی هر ساله نهرها اهتمام می‌ورزیدند. (رزاقی چالگر، کیوی، ۱۳۹۵)
- در مناطق خشک و بیابانی نیز نیاکان ما از راه‌های ذیل از سیل بهره‌برداری می‌کردند:
۱. استفاده از سیلاب به طور مستقیم با بستن بند و زراعت موسوم به بندسازی.
 ۲. مهار سیلاب و هدایت آن به وسیله کانال‌هایی با شیب کم (۲ تا ۴ درصد) به زمین‌های مجاور کشت به منظور افزایش محصول دیم و غنی شدن پوشش گیاهی مراتع و جلوگیری از فرسایش خاک.
 ۳. ذخیره سیلاب در زمین‌های دیم برای کشت آینده، بویژه زمینی که بر روی رودخانه سد بسته نشده بود (کردوانی، ۱۳۶۳: ۱۵۱-۱۵۵)

۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در مناطق پرباران مانند مازندران نیز، شالیکاران با احداث استخرهایی موسوم به «عَن نون» یا «آب‌بندان»، به ذخیره سیلاب‌ها، برای کشاورزی در ماه‌های گرم و کم‌باران می‌پرداختند و امروزه از آبیگرها، برای پرورش ماهی و شکار پرندگان مهاجر نیز استفاده می‌کنند (فرزانه، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۰). زابلی‌ها هم برای بهره‌مندی از رودخانه هیرمند، همه‌ساله با استفاده از شاخه درختان گز، بندهای کوهک و زهک را بازسازی می‌کنند (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۰۲). اهالی مجن شاهرود نیز به وقت طغیان رودخانه‌های پی‌سار و پیشده، در محل‌های مشخصی از رودخانه و بیشتر در دره‌ها، تپه‌هایی از خاک موسوم به «تُرکی‌تُر» ایجاد می‌کنند (نصیری و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۳۹). اهالی جندق نیز از قدیم، در ابتدای مسیل در کوه‌ها، سدی برای ذخیره آب باران تدارک می‌دیدند؛ به نحوی که آب سد پس از سرریز شدن در مادرچاه قنات می‌ریخت (حکمت یغمایی، ۱۳۷۰: ۳۲). بیرجندی‌ها نیز با اتکا به پوشش گنبدی خانه‌ها و نیز شیب تند کوه‌ها، خود را از آسیب سیل در امان می‌داشتند. (رضایی، ۱۳۸۱: ۵۸-۵۷)

آیین‌های باران‌بندی و سیل‌بندی

گونه‌شناسی مراسم باران‌بندی بسیار متنوع است و در برخی موارد، چندین رسم به شکل پیچیده با هم ترکیب شده و همین طبقه‌بندی آنها را به لحاظ شکلی و محتوایی با مشکل مواجه ساخته است. با مرور کلی آیین‌های باران‌بندی و تطبیق آنها با آیین‌های باران‌خواهی، شباهت‌های بسیاری را به لحاظ عناصر دخیل در مراسم (عروسک، آتش، کله خر، آدمک و...) و محتوا (جان‌پنداری اشیاء، حرمت‌شکنی و عصیان و تحریک غیرت خدایی، پیمان بستن افراد بانفوذ اجتماعی، دعا و نیایش، ارتباط با اسطوره‌ها و الهه‌های آب و باران و...) می‌توان مشاهده کرد (نک: جعفری، ج ۲، ۱۳۹۱: ۲۲-۱). در ادامه، بر اساس ساختار، پرتکرارترین آیین‌ها توصیف می‌شوند:

۱. **چهل کچل**: پربسامدترین آیین باران‌بندی و سیل‌بندی در گستره ایران که اغلب از سوی زارعان به منظور جلوگیری از زنگ گرفتن محصول و عقب افتادن کشت انجام می‌گیرد، نوشتن کاغذ یا گره زدن ریسمان یا چهل ترکه، به نام چهل کچل است.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۲۷

عمومی‌ترین شکل اجرای این آیین به این ترتیب است که نام چهل کچل زنده را بر روی کاغذ می‌نویسند و به درخت می‌بندند یا در ناودان زیر باران قرار می‌دهند و باور دارند با پاک شدن اسامی، باران بند می‌آید. در اغلب مناطق نیز شخصی با چوب چهل کچل را می‌زند و فردی دیگر چهل کچل را ضمانت می‌کند به امید آنکه هوا مساعد شود (پورکریم، ۱۳۴۶: ۱۱۹-۱۲۰). در دومین شیوه، با نام بردن چهل کچل، به ریسمانی چهل گره زده می‌شود و آن را زیر باران قرار می‌دهند. در شیوه سوم، چهل نی یا ترکه با ریسمان بسته می‌شود و با چوبی آن را می‌زنند و کسی آنها را ضمانت می‌کند. (حسن‌پور، مسجد سلیمان، ۱۳۴۶)

۲. چهل قاف: در برخی مناطق همچون دماوند اگر از نوشتن چهل کل نتیجه‌ای حاصل نشود، چهل «ق» را بر کاغذی می‌نویسند و به درخت یا دیواری رو به قبله می‌آویزند. (ملاابراهیمی، ۱۳۴۷)

۳. فیض طلبی: در بسیاری از آیین‌ها، گروهی از کودکان و نوجوانان به در منازل می‌روند و با خواندن اشعاری هدیه طلب می‌کنند، اگر فیض آنها داده شود صاحبخانه را دعا می‌کنند و اگر نه، اشعاری در مذمت ایشان می‌خوانند. فیض‌طلبان هدایای جمع شده را یا بین خود تقسیم می‌کنند یا از آن آش نذری می‌پزند و بین اهالی یا نیازمندان تقسیم می‌کنند. در باران‌های سیل‌آسا، شکل‌های متنوعی از طلب فیض در مناطق مختلف ایران، بویژه نواحی البرز، مازندران، گیلان، گرگان و کرج اجرا می‌شود که آنها را به لحاظ شکلی می‌توان در دسته‌های زیر قرار داد: شعرخوانی، عروسک‌گردانی، آدمک‌گردانی، مشعل‌گردانی، سیاه‌گردانی یا عروس‌گردانی، اثاثیه‌گردانی و کله‌اسب‌گردانی.

۴. دعا و نیایش: در اغلب گزارش‌های فرهنگ‌یاری تأکید شده است اگر چهل کل یا دیگر آیین‌ها افاقه نکند، به خواندن نماز و عبادت روی می‌آورند. در بیشتر موارد نیز اعمال عبادی با جلوه‌های آیینی درآمیخته است و در موارد معدودی صورت نیایشی صرف دیده می‌شود. خواندن نماز آیات (قیصری، ۱۳۹۱: ۶۴) و برپایی روضه، اذان بی‌هنگام گفتن، ترانه‌های دعاگونه بانوان و دعانویسی گونه‌های مختلف دعا و نیایش به منظور بند آوردن باران‌های شدید است.

۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۵. **خیس کردن با باران:** اگر چه در تمامی آیین‌های باران‌بندی، خیس کردن با باران، اصلی تقابلی است، اما به لحاظ شکلی مواردی که در ذیل این گروه قرار می‌گیرند، شکل آیینی پیچیده و طولانی مدت ندارند. برای مثال در اغلب مناطق به منظور سیل‌بندی، «انبر نان»، «سیخ کباب» یا «میل تنور» را به کوچه، زیر باران می‌اندازند (احمدی، مشکین‌شهر، ۱۳۵۰؛ ساعدی، ۱۳۵۴: ۳۱؛ صالح، اراک، ۱۳۵۷). اهالی اقلید نیز «سه‌پایه آهنی» که دیگ را روی آن بار می‌گذارند، از طرف قبله به خانه خود می‌آویزند. (خدای، ۱۳۵۴)

۶. **شیلان‌کشی:** در جویستان طالقان، در مسجد جمع می‌شوند، قرآن سر می‌گیرند و دعا می‌خوانند و کدبانوهای ده هنگام ظهر هر کدام مجمعه‌ای غذا به مسجد می‌برند و مردها پس از دعا، غذا صرف می‌کنند و مهم نیست که غذای توزیعی از آن چه کسی می‌شود (حیدری، ۱۳۴۷). آملی‌ها نیز بدین منظور «آش‌شلان» و مردم لاهو کلاردشت «آش شیر» می‌پزند. (مصطفایی، ۱۳۵۲؛ صفدری، ۱۳۴۸)

۷. **تبرزنی:** در گنجی محله هشتپر تالش، دختر یا پسر ایلکی^۱ خانواده با تبر هفت‌بار به زمین می‌کوبد و این اشعار را می‌خواند: «هپ هپ من نهنه عین ایلکیم/ باش قاراتولکسیم/ گرمیچین قنتین کسدم»^۲ (صمدی‌ناوان، ۱۳۵۵). در دیگر مناطق گیلان این عمل با بیل، داس یا کلنگ و با تعداد ضربات متفاوت انجام می‌گیرد. (بخشی، بندرانزلی، ۱۳۵۲؛ جعفرنژاد، خمام، ۱۳۵۹؛ حسین‌زاده اشکیکی، خمام، ۱۳۴۹)

۸. **باران‌بندی با عروسک:** در قلعه‌سید رامهرمز، بر تن عروسکی چوبی لباس می‌پوشانند و آن را برای چند روز زیر ناودان خاک می‌کنند و بعد از موعد مقرر، عروسک را بیرون می‌آورند (حسینی، ۱۳۵۲). بهبهانی‌ها این کار را با عروسک باران‌بند سیاه‌پوش انجام می‌دهند. (امانی، ۱۳۵۱)

۱. فرزند ارشد خانواده که فرزندی پیش از آن فوت نشده باشد.

۲. به درگاه تو ناله می‌کنم ای خدا من ثمره نخستین پدر و مادر هستم و روباه سیاه‌سر و سیاه‌موی مادرم هستم. ای باد و ای توفان بال و پر تو را بریدم و شکستم آرام بگیر.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۲۹

۹. **قربانی کردن:** در درسجین ابهر ریش سفیدان، صورتی موسوم به نظر درست می‌کنند؛ به این نحو که از اهالی پول می‌گیرند و با آن گاو یا گوسفندی قربانی و گوشت آن را بین فقرا به تساوی تقسیم می‌کنند. (عزیزخانی، ۱۳۵۶)

جمع‌بندی

در کتب مقدس از جمله در قرآن و وندیداد و نیز کتب تعبیر خواب و کتب عجایب‌المخلوقات از سیل‌های مختلف و فلسفه وقوع این پدیده یاد شده است. در کتاب‌های تاریخی و جغرافیای تاریخی نیز، گزارش‌هایی از سیل‌های مهیب طول تاریخ منعکس شده است تا آنجا که برخی سیل‌ها مبدأ تاریخ محلی قرار گرفته‌اند و مردم آن سال را با آن واقعه به یاد می‌آورند. سیل در گونه‌های مختلف ادب شفاهی از جمله، قصه، نفرین، دعا، چیستان و بومی سروده‌ها و... انعکاس یافته است و بیش از همه در مثل‌ها و زبانزدها نمود دارد. در گاهشماری عامه، پیش‌بینی سیل بر پایه نشانه‌های طبیعی (گیاهی، حیوانی و نجومی) استوار است و به دنبال آن، راه‌های عامیانه‌ای نیز برای مقابله با آن تدبیر کرده‌اند. سیل علاوه بر مضرات فراوان، در مناطق کم‌باران تأمین‌کننده منابع آب‌های زیرزمینی است. جنگل‌کاری، مرتع‌کاری، جلوگیری از چرای احشام، احداث سدهای خشکه‌چین، تعیین بستر رودخانه‌ها، لایروبی قنات‌ها، مقاوم‌سازی خاک و تقویت پوشش گیاهی از جمله فناوری‌های مرتبط با سیل از منظر فرهنگ مردم است. چهل‌کچل، چهل‌قاف، انواع فیض‌طلبی مانند شعرخوانی، عروسک‌گردانی، آدمک‌گردانی، مشعل‌گردانی، سیاه‌گردانی یا عروس‌گردانی، اثاثیه‌گردانی و کله‌اسب‌گردانی، دعا و نیایش، خیس کردن اشیای آهنی با باران، شیلان‌کشی، تبرزنی و قربانی کردن از جمله مهم‌ترین آیین‌هایی هستند که به منظور باران‌بندی و سیل‌بندی انجام می‌شود.

۳۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

منابع

- ارشادی، عیدی محمد (۱۳۸۸). فرهنگ بختیاری. تهران: آرون.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۸۹). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. با مقدمه و فهارس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افشاریان، نادر (۱۳۸۸). تاریخ شفت، رشت: فرهنگ ایلیا.
- التفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد (۱۳۲۶). کامل التعبير. تهران: علی اکبر علمی و شرکاء.
- المکمونى الفزوينى، زکریابن محمدبن محمود (۱۳۶۱). عجایب المخلوقات. تصحیح و مقابله نصرالله سبوحی، تهران: مهارت.
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمدبن ابی‌طالب (۱۳۵۷). نخبه‌الدهر فی عجائب البر والبحر. ترجمه سید حمید طیبیان، تهران: بنیاد شاهنشاهی، فرهنگستان‌های ایران.
- انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران: سخن.
- برآبادی، سید احمد؛ شعیبی، غلامحسین (۱۳۸۴). مردم‌شناسی روستای ماخونیک. تهران: میراث فرهنگی.
- بهنیا، علاء‌الدین (۱۳۷۴). بررسی مردم‌شناسی طایفه ارشلو از ایل بچاقچی. تهران: کویر.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین (بی‌تا). تاریخ مسعودی معروف به تاریخ بیهقی. سعید نفیسی، ج ۱، تهران: کتابخانه سنایی.
- پورکاظم، حاج کاظم (۱۳۸۰). امثال و حکم عرب خوزستان. جلد ۳، اهواز: سرزمین خوز.
- تبریزی، محمدتقی بن محمد (۱۳۹۴). خواص الحیوان (ترجمه جیوه‌الحوان دمیری). به کوشش میرهاشم محدث و یوسف بیگ باباپور، تهران: سفیر اردهال.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۳۱

- تنوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف خان (۱۳۸۲). تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام). تصحیح غلامرضا طباطبایی، ج ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور (۱۳۷۶). ثمارالقلوب فی المضاف والمنسوب. ترجمه رضا انزابی نژاد، ج ۱، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۹۱). «باران‌خواهی». دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج ۲، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۱-۲۲.
- جکسن، ابراهام و ویلیامز (۱۳۵۲). سفرنامه جکسن؛ ایران در گذشته و حال. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- جناب، میرسید علی (۱۳۸۵). فرهنگ مردم اصفهان (الاصفهان). تصحیح و تدوین رضوان پورعصار. اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- جناب، میرسید علی و ژان، شاردن (۱۳۷۶). الاصفهان. به کوشش محمدرضا ریاضی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- جوادی، غلامرضا (۱۳۷۷). دلچیان در آیینه ایران. مشهد: شرکت به‌نشر (آستان قدس رضوی).
- جهانی برزکی، زهرا (۱۳۸۵). برزک نگین کوهستان. کاشان: مرنجاب.
- حکمت یغمائی، عبدالکریم (۱۳۷۰). بر ساحل کویر نمک. تهران: توس.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا. ج ۵، زیر نظر محمدمعین، تهران: شرکت چاپ.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲). امثال و حکم. ج ۳ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. ج ۲، تهران: معین.
- ذوالفقاری، حسن؛ شیری، علی‌اکبر (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.
- رازی، شه‌مردان بن ابی‌الخیر (۱۳۸۲). روضه‌المنجمین. تصحیح و تحقیق جلیل اخوان زنجانی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- رازی، فخرالدین محمدبن عمر (۱۳۸۵). **خوابگزاری همراه التمجیر امام فخر رازی**. به اهتمام ایرج افشار، تهران: المعی.
- رضایی، جمال؛ رفیعی، محمود (۱۳۸۱). **بیرجندنامه**. تهران: هیرمند.
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۵۴). **خیابو یا مشکین شهر**. تهران: امیرکبیر.
- سالاری، عبدالله (۱۳۷۹). **فرهنگ مردم کوهپایه ساوه**. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- سالاری، عبدالله (۱۳۹۴). **ساوه و زرنده**. تهران: ثریا.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). **سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران**. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: لوحه.
- شاکری، رمضانعلی (۱۳۶۵). **اترکنامه؛ تاریخ جامع قوچان**. تهران: امیرکبیر.
- شعبانی مقدم، عادل؛ دهقانی نژاد، مرتضی (۱۳۹۳). «سوانح طبیعی؛ نگاهی به پیامدهای خشکسالی». **تاریخ اجتماعی و اقتصادی**. ش ۱، صص ۳۹-۶۴.
- شعبانی، امامعلی؛ مهرعلی تبار، حمیده (۱۳۹۲). «حوادث و بلایای طبیعی در قرون میانه تاریخ ایران». **تحقیقات تاریخ اجتماعی**. ش ۵، صص ۳۹-۶۴.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۴). «سیل برگردان نهاوند». **فرهنگان**. ش ۲۵، ۱۱۸-۱۳۲.
- شهری، جعفر (۱۳۸۴). **قند و نمک**. تهران: معین.
- شهوریان، قاسم (۱۳۸۰). «سیل ۱۳۱۷ نهاوند». **فرهنگان**. ش ۸، صص ۶۳-۷۷.
- شیل، لیدی (۱۳۶۲). **خاطرات لیدی شیل**. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- طاهری بهبهانی، محمدطاهر (۱۳۷۱). «کم توجهی به خطرها و زیانهای سیل در ایران». **آبادی**. ش ۴، صص ۴۶-۴۹.
- عباسی، اسماعیل (۱۳۸۷). **آبنامه تهران**. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- عبدلی، علی (۱۳۹۳). **قصهها و مثل های تالشی**. رشت: بلور.
- عظیمی دویخشتری، ناصر (۱۳۸۵). **جغرافیای طبیعی گیلان**. رشت: فرهنگ ایلیا.
- فرزانه، حمیده (۱۳۸۸). «آببندان؛ شیوه سنتی ذخیره سازی و استفاده بهینه از آب». **فصلنامه فرهنگ مردم ایران**. ش ۱۹ و ۱۸، صص ۴۸-۶۷.

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۳۳

- فرهادی کمره‌ای، مرتضی (۱۳۶۲ الف). «باران در فرهنگ و گویش سیرجان و چند شهر پیرامون». **مجله فروهر**. ش ۶ و ۷، صص ۶۲-۸۰.
- _____ (۱۳۶۲ ب). «واژگان و اصطلاحات، آیین‌ها و باورها و تقویم آب و هوایی در فرهنگ و گویش کمره‌ای». **مجله فروهر**. ش ۵.
- فرونی استرآبادی، میرمحمد هاشم‌بیگ (۱۳۲۸). **بحیره**. به کوشش عبدالکریم بن عباسعلی قمی تفرشی، چاپ سنگی.
- فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۵۷). **آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر**. تهران: صبا.
- فوریه، ژرار (۱۳۸۸). **سه سال در دربار ایران**. ترجمه عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- قنبری عدیوی (۱۳۸۶). «آفرین و ناآفرین در فرهنگ مردم بختیاری». **فرهنگ مردم ایران**. ش ۱۱، صص ۶۹-۸۸.
- قیصری، عیسی (۱۳۹۱). **فرهنگ عامیانه ماه‌شهر**. تهران: سمیر.
- کردوانی، پرویز (۱۳۶۳). **منابع و مسائل آب در ایران**. ج ۱، تهران: آگاه.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۱). «آب هیرمند، منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای». **تاریخ روابط خارجی**. ش ۱۱، صص ۹۳-۱۴۷.
- لایارد، سر اوستین هنری (۱۳۶۷). **سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران**. ترجمه مهراب امیری. تهران: وحید.
- لردکرزن، جرج. ن (۱۳۴۹). **ایران و قضیه ایران**. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مراغی، عبدالهادی بن محمد بن محمود بن ابراهیم (۱۳۸۸). **منافع حیوان**. به کوشش محمد روشن. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مشایخی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). **نگاهی همه‌سویه به تنکابن**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- معین، محمد (۱۳۸۲). **فرهنگ فارسی معین**. ج ۲، تهران: سی‌گل.

۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸) تفسیر نمونه. ج ۱۶ و ۱۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۸۱). «زرنگ در قرون نخستین اسلامی». تاریخ اسلام. ش ۱۱، صص ۱۱-۱۴۲.
- میرگلو، جمال (۱۳۵۱). «اراده آهنین رضا شاه کبیر». خاطرات وحید. ش ۶، صص ۱۰۶-۱۰۴.
- میرمحمدی، حمیدرضا (۱۳۷۸). جغرافیای خوانسار. ج ۱، قم: سلمان فارسی.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹). فرهنگ مردم (فولکلور ایران). تهران: پارسا.
- ناصرالدین شاه (۱۳۸۱). سفرهای ناصرالدین شاه به قم. به کوشش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ناظم، رزا (۱۳۸۶). «سیل آف نهاوند؛ بازکاوی اسناد و خاطرات». فرهنگان. ش ۲۹ و ۳۰، صص ۶۴-۱۰۲.
- نجفی آشتیانی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). نیم‌نگاهی به آشتیان. تهران: منشور امید.
- نصیری، معصومه؛ اسمعیلی، مریم (۱۳۸۹). مجن؛ بهشت پنهان. تهران: پردازشگران.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۲۰). فرهنگ نفیسی. ج ۳، تهران: شرکت سهامی چاپ رنگین.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷). سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. ج ۱، تهران: نی.
- وندیداد/ وی. دکتو. داته (۱۳۸۵). ترجمه و پژوهش هاشم رضی، ج ۱، تهران: بهجت.
- هدایت، صادق (۱۳۴۲). نیرنگستان. تهران: امیرکبیر.
- همایونی، صادق (۱۳۷۲). افسانه‌های ایرانی. شیراز: نوید شیراز.
- هویدا، رحیم (۱۳۵۴). «معرفی شهر تاریخی گمشده اوجان». بررسی‌های تاریخی. ش ۵۹، صص ۱۱۱-۱۴۲.
- یوسفی، فریده (۱۳۸۹). فرهنگ و آداب و رسوم سوادکوه. ساری: شلفین.
- گزارش‌های فرهنگیاران واحد فرهنگ مردم مرکز پژوهش و سنجش صداوسیما
- آشوری، منصور، جونقان، مزدج، فارسان، چهارمحال و بختیاری، ۱۳۵۴/۱۲/۳

دانش بومی پیرامون پیش‌بینی، پیشگیری و مهار سیل ❖ ۳۵

- احمدی، مرسل، قورت تپه، مشکین شهر، اردبیل، ۱۳۵۰/۱/۲۵
- امانی، غلام، بهبهان، خوزستان، ۱۳۵۱/۷/۱۸
- باقری میمندی، حسن، میمند، کرمان، ۱۳۵۱/۴/۷
- بخشی، احمد، گورابخیر، بندرانزلی، گیلان، ۱۳۵۲/۱۲/۲
- پورکریم، ابوالقاسم، اوغان، مینودشت، گلستان، ۱۳۴۸/۲/۲
- جعفرزاده دستجردی، مصطفی، کهک، قم، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
- جعفرنژاد، سیدمحمد، معاف محله، خمام، گیلان، ۱۳۵۹/۵/۸
- جهانی برزکی، زهرا، برزک، کاشان، اصفهان، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
- حسن پور، حسن، دشت لالی، مسجدسلیمان، خوزستان، ۱۳۴۶/۸/۲۰
- حسینزاده اشکیکی، یحیی، چوگام، خمام، گیلان، ۱۳۴۹/۱۰/۱۶
- حسینی، سید جابر، قلعه سید، رامهرمز، خوزستان، ۱۳۵۲/۱۱/۱۸
- حیدری رودباری، شعبانعلی، نصیفچی، رودبار، گیلان، ۱۳۵۴/۱۰/۲۳
- حیدری، جواد، اصیل آباد، شهریار، تهران، ۱۳۴۷/۱۱/۱۲
- خدامی، عین الله، اقلید، فارس، ۱۳۵۴/۱۱/۵
- درجزنی (سعادت)، نقی، خوانسار، اصفهان، ۱۳۶۸/۹/۲۶
- رزاقی چالگر، مطلب، کوثر، کیوی، اردبیل، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
- صالح، جواد، خنداب، اراک، مرکزی، ۱۳۵۷/۱۱/۱۷
- صفدری، محمدعلی، لاهو، کلاردشت، مازندران، ۱۳۴۷/۲/۱۲
- صمدی ناوان، عزیزالله، گنجی محله، هشتیر تالش، گیلان، ۱۳۵۵/۶/۲۶
- صمدی، حسین، خضری دشت بیاض، خراسان جنوبی، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
- عزیزخانی، منوچهر ارسجین، ابهر، زنجان، ۱۳۵۶/۳/۲۵
- مصطفایی، مصطفی، آمل، مازندران، ۱۳۵۲/۹/۱۶
- ملاابراهیمی، غلامعلی، دماوند، تهران، ۱۳۴۷/۲/۲



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی